



گپ و گفت «وطن امروز» با خسرو معتضد

انگلیسی چگونه در هند جایگزین فارسی شد

■ زبان فارسی عامل وحدت ملی است

او پرسیدم چه کسی است و او گفت نوه جلال‌الدین معین‌الاسلام حسینی است که فرزندان او الان فوت کرده‌اند و نوه‌ها هنوز در روزنامه‌های هندوستان فعال هستند منتها کمپانی هند شرقی کم‌کم به این زبان نفوذ و آن را ریشه‌کن کرد و عده‌ای را از هند به انگلستان برد و مدرسه زبان‌های شرقی را افتتاح کرد بنابراین بعد از یک دوره زبان انگلیسی زبان رسمی هندوستان شد. از سال ۱۷۵۷ میلادی که دولت هند بعد از شورش سپاهیان و سربازان هندی توسط انگلیسی‌ها سرکوب شد، اینها شورشی علیه دولت انگلستان کردند. کمپانی هند شرقی یک کمپانی دارای ارتش و وزارت خارجه بود و از آن زمان که هندی‌ها را سرکوب کردند هندوستان مستعمره بریتانیا شد به عبارت دیگر تا آن تاریخ هند تحت توجهات کمپانی هند شرقی انگلیس بود اما از آن دوره به بعد دیگر دولت تابع انگلیس شد و ارتش انگلیسی درست شد به نام هند انگلیسی.

از این تاریخ به بعد یک نایب‌السلطنه از انگلستان بر هند حکومت کرد که کم‌کم فارسی را ریشه‌کن کرد به طوری که هر کس می‌خواست وارد دانشگاه، دادگستری یا دیگر مراکز عمومی شود باید به زبان انگلیسی صحبت می‌کرد. کنارش یک زبان محلی هم در هر ایالت گذاشته شده بود. الان هم همانطور که گفتم ۱۴ زبان رسمی در هند وجود دارد که زبان رسمی هم انگلیسی است به طور مثال اگر بخواهیم با سفارت هند در ایران صحبت کنیم به زبان انگلیسی پاسخ می‌دهند البته قرار بود در سال ۱۹۶۵ این زبان برچیده شود اما مشخص شد که این زبان در سراسر هند استفاده شده و حاکمیت دارد بنابراین مردم سعی می‌کنند همه انگلیسی یاد بگیرند. این‌طور شد که انگلیسی جای فارسی را در هند گرفت و کم‌کم زبان فارسی از زبان دانشگاهی هند خارج شد.

■ زمان قاجار تعدادی دانشجو بورسیه به هند فرستادند تا زبان فارسی باقی بماند. ۷-۸ سال پیش هم یکی از دوستانمان که شاهنامه‌خوان بود به هند رفت و در دانشگاه شاهنامه می‌خواند. دانشجویان با عشق و علاقه گوش می‌دادند حتی آتهایی که فارسی نمی‌دانستند از آهنگ کلمات خوششان آمده بود.

بله! تعدادی از پارسیان از زمان حمله نادرشاه آنجا بوده‌اند و عده‌ای هم از زردشتیان. البته این را هم نباید از نظر گذراند که تعداد ایرانیان در هندوستان هم زیاد است شاید یکی از علی که هنوز هم عده‌ای در هند علاقه‌مند به فارسی هستند و در بخشی رواج دارد همین تعداد ایرانیان در آنجا باشد. پس از آمدن اسلام به ایران بخشی از زردشتیان آنجا سکنی گزیدند و نخواستند در ایران بمانند برخی از کشتی از جزیره هرمز به هند رفتند و چون مردمان ساکت و بی‌آزاری بودند با آن همه فرقه و مذاهب مختلف در هند کنار آمدند و با کسی از قدیم‌الایام کاری نداشتند بنابراین در هند نفوذ پیدا کردند که به اینها پارسیان هند می‌گویند بنابراین یکی از عوامل وجود زبان فارسی در هند همین زردشتیان هستند. الان در هند حتی یک سازمان جمشید پاتا وجود دارد که سرمایه‌گذاری برای کارهای هواپیمایی، راه‌آهن، نوشابه و سایر صنایع می‌کنند. در زمان پهلوی مودم قرار بود عده‌ای از این زردشتیان به ایران بیایند، تبلیغاتی هم در این زمینه شد حتی عده‌ای آمدند اما باز هم به هند بازگشتند البته نسل‌های جدید همین‌ها دیگر فارسی نمی‌دانند. به فلیپین که رفته بودم عده‌ای را ملاقات کردم که مسلمان بودند و به زبان فارسی صحبت می‌کردند البته با کلمات فارسی در فلیپین و مالزی آشنا بودند مالزی که بودم نمی‌دانستم برای بازار رفتن باید به چه زبانی آدرس دهیم اما ناخودآگاه به زبان فارسی صحبت کردم و مستقیم مرا به بازار بردند. فارسی بلد بودند.

■ در نهایت مهم‌ترین کار برای حفظ زبان فارسی در منطقه و نابود نشدن آن در سطح بین‌الملل چیست؟

ما باید بر زبان فارسی تأکید داشته باشیم در تمام کشورهای آسیایی مرکز شاهنامه، سعدی، گلستان و بوستان داشته باشیم. اینها را باید کشف کنیم. همسایگان ترک ما از زنگ‌تر هستند و مولوسی را ترک جا زدند و حتی می‌گویند دیوان مولوی را هم قرار است به ترکی منتشر کنند. تلاش‌های ما در این راستا نشان‌دهنده اهمیت به زبان فارسی است البته یک کتابی هم درباره ملاصرالدین من چند سال پیش نوشته بودم که خیلی مورد توجه مردم ازبکستان قرار گرفت، این را بگویم که مردم ازبکستان و تاجیکستان بیش از ۵۰ درصد به فارسی صحبت می‌کنند. یک بار از سفارت به من زنگ زدند و مرا به ازبکستان دعوت کردند اما متأسفانه گرفتاری من زیاد است و نتوانستم این دعوت را قبول کنم. موطن ملاصرالدین سمرقند و محل زندگی‌اش بخارا است. وی در سمرقند به حضور امیر تیمور گور کانی رسیده بود بنابراین ازبک‌ها، ملا را خیلی دوست دارند و شاید برابری با فردوسی برای آنها می‌کند این‌طور است که سایر کشورها بزرگانشان را دوست دارند و اهمیت می‌دهند ما نیز به جای اینکه به دنبال بزرگنمایی سایر زبان‌ها در حاشیه زبان فارسی باشیم باید به اهمیت ترویج زبان فارسی توجه کنیم. در کنارش سایر گویش‌ها و زبان‌ها هم در مکان‌های مختلف صحبت می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد اما زبان رسمی در سیستم‌های آموزشی و همه سیستم‌های اداری و رسمی‌مان باید فارسی باشد.

شوق و ادویه، فلفل و غذاهای شرقی آشنا شدند. زبان فارسی هم از طریق کشتیرانی‌های ایران بویژه در ایام حج که اسلام آن را بر همه مسلمانان واجب کرده، به طور مثال به جزیره‌العرب منتقل می‌شد و این سفرها رابطه خوبی بین فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌کرد. حتی در کتاب عجایب‌الهند و البر و البحر و الجزایر که ناخدا بزرگ شهیرام رامهرمزی نوشته، آمده که بسیاری از کشتیران‌ها ایرانی هستند و زبانشان فارسی است حتی اینها در مناطق دیگر و دور دنیا هستند به طور مثال در ساحل افریقا حزب شیرازی هست که در انتخابات هم شرکت می‌کنند و اجدادشان ایرانی و شیرازی هستند البته تاکنون، نسل‌های جدیدشان زبان فارسی را فراموش کرده‌اند ولی در گذشته اجدادشان زبان فارسی را بلد بودند بنابراین در گذشته زبان فارسی زبان تجارت و فرهنگ اسلام و ایران بوده است.

■ درباره هند صحبت کردید، توضیحی از برنامه‌های استعمار برای از بین بردن زبان پارسی در شبه‌قاره هند بفرمایید؟

در یک دوره‌ای در هندوستان زبان پارسی گسترش پیدا کرد و به قسمت‌های دیگر جهان منتقل شد، بزرگ‌ترین شاهد این امر هم روزنامه «حبل‌المتین» است که از زمان ناصرالدین شاه قاجار تا رضاشاه پهلوی به مدت ۳۴ سال در کلکته هند منتشر شد. این روزنامه از هنگ‌کنگ تا جزیره مالت، کرت، کربلا، نجف، فققا، مصر، عراق و عثمانی ترویج پیدا کرد به این علت که روزنامه بدون سانسوری بود و به همه جا فرستاده می‌شد. الان تصور نمی‌کنم هیچ روزنامه‌ای در ایران به چنین جزایر دور و شهرهایی فرستاده شود.

بنابراین از سال ۱۸۲۲ در هندوستان روزنامه فارسی منتشر می‌شد، تقریباً در دوران سلطنت فتحعلی شاه. این اطلاعات در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد آمریکایی نگهداری می‌شود. در یکی از این سندها آمده که یکی از دانشمندان ایرانی یک شماره مخصوص ایران‌نامه به مطبوعات ایران در هندوستان اختصاص داد بنابراین زبان فارسی در آن دوره‌ها زبان فرهنگی هندوستان بوده است، حتی «پهرو» می‌گوید در بچگی زبان فارسی می‌خوانده است بنابراین در هند همه مجبور می‌شدند فارسی بیاموزند. دکتر «اسماعیل رضوانی» استاد و دوست صمیمی من فهرستی از روزنامه‌های ایرانی در هند حتی در دوران رضاشاه را منتشر کرد جالب است که خانواده «جلال‌الدین معین‌الاسلام حسینی» هم‌ان خانواده حبل‌المتین! هنوز هم مجلات و روزنامه‌های بزرگ هندوستان را منتشر می‌کنند. حتی در روزنامه تالمیرا و ایندیا هم سرمایه‌گذاری دارند. یک خاتمی چند سال پیش ما را به هند دعوت کرد، این خانم با ما فارسی صحبت می‌کرد. من از

آلمانی زبان، فرانسه و ایتالیایی زبان می‌بینیم. اینها کم‌کم زبانشان به هم نزدیک می‌شود. زبان ترکی هم در ایران هیچگاه بیگانه نبوده و از خارج به ایران وارد نشده بلکه طی مهاجرت در ایران مستحیل شده است.

■ بیشتر سلاطین ایران هم آمیزه‌ای از ترک و فارس هستند، درست است؟

بله! به طور مثال سلسله صفویه را که مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم پدربزرگ صفوی‌ها فردی به نام «کیا» از امرای محلی مازندران بوده. از سوی دیگر مادر «شاه اسماعیل»، «حلیمه خاتون» دختر «دسپینا خاتون» بوده و دسپینا دختر پادشاه ترابوزان، همسر «اوزون حسن» است. سفرنامه کونتارینی را که مطالعه کردم متوجه شدم همین اوزون حسن که به ایران آمده سه پایتخت در اصفهان، قم و تبریز داشته بنابراین زبان فارسی در تمام این دربارها زبان فرهنگی، علمی و معارفی او بوده و به طور قاطع در سفرنامه خود از ایران و ایرانیان صحبت کرده است. کم‌اینکه ادبیات ما ۹۵ درصد زبان فارسی است حتی مغول‌ها در ایران نامه‌هایشان به پاپ را به زبان فارسی می‌نوشتند و او را «بابا» خطاب می‌کردند.

بنابراین زبان نامه مغولی‌ها، مغولی نیست همین‌طور در دربار عثمانی و هند هم فارسی رواج داشته است.

■ سلاطین هندوستان هم علاقه به زبان فارسی داشتند؟

بله! عثمانی و هند همه پادشاهانشان به فارسی سخن می‌گفتند. سلطان محمد فاتح دوم نامه‌های عثمانی را به ایران، فارسی می‌داد. سلاطین هندوستان هم به زبان فارسی صحبت می‌کردند و نسبت به این زبان احساس افتخار داشتند. در ادامه بحث بگویم که از دوره ساسانیان در ایران برای بستن قرارداد همه باید یک زبانی را انتخاب می‌کردند. یک دولتی در کنار دولت ایران به نام دولت روم مطرح بوده که ما ۸۰۰ سال با این دولت همسایه بودیم. نامه‌ها در این همسایگی با دو زبان لاتین و رسمی ایران نوشته می‌شده است. قراردادها همه به زبان فارسی بوده و نمی‌شد کسی بگوید به زبان طالشی یا مثلاً سنگسری یا فالن زبان محلی و منطقه‌ای قرارداد بنویسند. بنابراین زبان فارسی اینگونه عمومیت پیدا کرد و ۹۰ درصد دیگر زبان‌ها متفرقات این زبان است.

■ استاد! طرح این مطلب که گویش‌ها و لهجه‌های محلی ما در سیستم آموزشی گنجانده شود را چطور تحلیل می‌کنید؟

این سوال را با یک مثال پاسخ بدهم: اگر مسا زبان لری را در تلویزیون بشنویم که جزو گویش‌های استانی ماست، متوجه می‌شویم این زبان هم به فارسی نزدیک است. بنابراین اگر قرار

استاد! به عنوان نخستین سوال درباره اهمیت تاریخی زبان پارسی در ایران زمین در مقایسه با سایر گویش‌ها و زبان‌ها صحبت کنید، چه روند تاریخی‌ای را این زبان در طول تاریخ طی کرده است؟

زبان پارسی جانشین زبان پهلوی عصر باستان، یک زبان کاملاً جاافتاده قدیمی است که جایگزین لهجه‌ها، گویش‌ها و زبان‌های مختلف در ایران زمین شده است. این زبان، زبان گفت‌وگو و زبان ادبی چندین دوره تاریخی ایران بوده است. از دوران پارسیان که نظر بیفکنیم، زبان فارسی با یک مقدار شباهت‌هایی از دوران باستان ماندگار بوده است. این را از ادبیات و کتیبه‌های مختلف نگاشته‌شده در ایران زمین می‌توانیم درک کنیم. به طور مثال از یک سنگ‌نبشته قدیمی مارتی‌ها، وزرگ همان بزرگ، وهرام همان بهرام، وزرگان همان بزرگان معنی می‌دهد. در این سنگ‌نبشته خط میخی و چند خط دیگر دیده می‌شود البته آن دوران به استثنای خط میخی، خطوط زیادی اختراع شده بود. مرحوم «کن‌الدین همایون فرخ» دانشمند ایرانی همه این خطوط را ثبت کرد. یکی از این خطوط، مخصوص دبیران، دیگر خطوط برای عموم، مخصوص نامه‌های سیاسی یا خطوط رمز بودند که افراد عادی متوجه آنها نمی‌شدند بنابراین زبان فارسی در طول تاریخ ادامه پیدا کرده و دنباله همان زبان قدیم است.

زبان فارسی به تدریج پخته و جاافتاده شده و کلماتش زیبا و موزون در آمده است. یک کتابی دکتر سبا درباره فرهنگ زبان فارسی تألیف کرده که بسیار حیرت‌انگیز است. اسامی بسیار

زیادی از آسمان، زمین، سبزی‌ها، گیاهان، پدیده‌ها، عناصر طبیعی و ستارگان در آن آمده است. از دل زبان فارسی زبان‌های زیادی خلق شده است. اکنون اگر در ۳۰ شبکه تلویزیونی استانی به زبان‌های محلی دقت کنیم متوجه می‌شویم به طور مثال زبان ترکی، زبانی است که ایرانی‌زده شده است جالب این است که زبان ترکی تا دوره قاجار زبان نظامی‌ها بود و نظامی‌ها به این زبان علامت می‌دادند چرا که عناصر ترک که از یک دوره بسیار قدیم-تصور می‌کنم از دوره ساسانی- با ما همسایه شدند به تدریج با ایران عجین شدند بنابراین ما پادشاهان سلجوقی را نمی‌توانیم ترک بدانییم چرا که اینها دارای وزرای ایرانی، همسران و فرزندان پارسی‌زبان و ایرانی بودند. همه اینها اسامی ایرانی داشتند بنابراین نمی‌توانیم اینها را بیگانه بدانیم چرا که در ایران مستحیل شدند.

در حال حاضر به نژاد انگلیسی‌ها هم دقت کنیم می‌بینیم اینها دارای دو نژاد «نورماندی» و «ساکسون» هستند. نورماندی‌ها از فرانسه به انگلیس مهاجرت کردند و با آنها عجین شدند بنابراین بدین قرار کلمات زبان انگلیسی و فرانسه به هم نزدیک شده است و ما وقتی این دو زبان را مطالعه می‌کنیم بسیاری کلمات را شبیه به هم می‌بینیم. همین‌طور در کشور سوئیس هم ما گروه

شوق و ادویه، فلفل و غذاهای شرقی آشنا شدند. زبان فارسی هم از طریق کشتیرانی‌های ایران بویژه در ایام حج که اسلام آن را بر همه مسلمانان واجب کرده، به طور مثال به جزیره‌العرب منتقل می‌شد و این سفرها رابطه خوبی بین فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌کرد. حتی در کتاب عجایب‌الهند و البر و البحر و الجزایر که ناخدا بزرگ شهیرام رامهرمزی نوشته، آمده که بسیاری از کشتیران‌ها ایرانی هستند و زبانشان فارسی است حتی اینها در مناطق دیگر و دور دنیا هستند به طور مثال در ساحل افریقا حزب شیرازی هست که در انتخابات هم شرکت می‌کنند و اجدادشان ایرانی و شیرازی هستند البته تاکنون، نسل‌های جدیدشان زبان فارسی را فراموش کرده‌اند ولی در گذشته اجدادشان زبان فارسی را بلد بودند بنابراین در گذشته زبان فارسی زبان تجارت و فرهنگ اسلام و ایران بوده است.

■ درباره هند صحبت کردید، توضیحی از برنامه‌های استعمار برای از بین بردن زبان پارسی در شبه‌قاره هند بفرمایید؟

در یک دوره‌ای در هندوستان زبان پارسی گسترش پیدا کرد و به قسمت‌های دیگر جهان منتقل شد، بزرگ‌ترین شاهد این امر هم روزنامه «حبل‌المتین» است که از زمان ناصرالدین شاه قاجار تا رضاشاه پهلوی به مدت ۳۴ سال در کلکته هند منتشر شد. این روزنامه از هنگ‌کنگ تا جزیره مالت، کرت، کربلا، نجف، فققا، مصر، عراق و عثمانی ترویج پیدا کرد به این علت که روزنامه بدون سانسوری بود و به همه جا فرستاده می‌شد. الان تصور نمی‌کنم هیچ روزنامه‌ای در ایران به چنین جزایر دور و شهرهایی فرستاده شود.

بنابراین از سال ۱۸۲۲ در هندوستان روزنامه فارسی منتشر می‌شد، تقریباً در دوران سلطنت فتحعلی شاه. این اطلاعات در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد آمریکایی نگهداری می‌شود. در یکی از این سندها آمده که یکی از دانشمندان ایرانی یک شماره مخصوص ایران‌نامه به مطبوعات ایران در هندوستان اختصاص داد بنابراین زبان فارسی در آن دوره‌ها زبان فرهنگی هندوستان بوده است، حتی «پهرو» می‌گوید در بچگی زبان فارسی می‌خوانده است بنابراین در هند همه مجبور می‌شدند فارسی بیاموزند. دکتر «اسماعیل رضوانی» استاد و دوست صمیمی من فهرستی از روزنامه‌های ایرانی در هند حتی در دوران رضاشاه را منتشر کرد جالب است که خانواده «جلال‌الدین معین‌الاسلام حسینی» هم‌ان خانواده حبل‌المتین! هنوز هم مجلات و روزنامه‌های بزرگ هندوستان را منتشر می‌کنند. حتی در روزنامه تالمیرا و ایندیا هم سرمایه‌گذاری دارند. یک خاتمی چند سال پیش ما را به هند دعوت کرد، این خانم با ما فارسی صحبت می‌کرد. من از

آلمانی زبان، فرانسه و ایتالیایی زبان می‌بینیم. اینها کم‌کم زبانشان به هم نزدیک می‌شود. زبان ترکی هم در ایران هیچگاه بیگانه نبوده و از خارج به ایران وارد نشده بلکه طی مهاجرت در ایران مستحیل شده است.

■ بیشتر سلاطین ایران هم آمیزه‌ای از ترک و فارس هستند، درست است؟

بله! به طور مثال سلسله صفویه را که مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم پدربزرگ صفوی‌ها فردی به نام «کیا» از امرای محلی مازندران بوده. از سوی دیگر مادر «شاه اسماعیل»، «حلیمه خاتون» دختر «دسپینا خاتون» بوده و دسپینا دختر پادشاه ترابوزان، همسر «اوزون حسن» است. سفرنامه کونتارینی را که مطالعه کردم متوجه شدم همین اوزون حسن که به ایران آمده سه پایتخت در اصفهان، قم و تبریز داشته بنابراین زبان فارسی در تمام این دربارها زبان فرهنگی، علمی و معارفی او بوده و به طور قاطع در سفرنامه خود از ایران و ایرانیان صحبت کرده است. کم‌اینکه ادبیات ما ۹۵ درصد زبان فارسی است حتی مغول‌ها در ایران نامه‌هایشان به پاپ را به زبان فارسی می‌نوشتند و او را «بابا» خطاب می‌کردند.

بنابراین زبان نامه مغولی‌ها، مغولی نیست همین‌طور در دربار عثمانی و هند هم فارسی رواج داشته است.

■ سلاطین هندوستان هم علاقه به زبان فارسی داشتند؟

بله! عثمانی و هند همه پادشاهانشان به فارسی سخن می‌گفتند. سلطان محمد فاتح دوم نامه‌های عثمانی را به ایران، فارسی می‌داد. سلاطین هندوستان هم به زبان فارسی صحبت می‌کردند و نسبت به این زبان احساس افتخار داشتند. در ادامه بحث بگویم که از دوره ساسانیان در ایران برای بستن قرارداد همه باید یک زبانی را انتخاب می‌کردند. یک دولتی در کنار دولت ایران به نام دولت روم مطرح بوده که ما ۸۰۰ سال با این دولت همسایه بودیم. نامه‌ها در این همسایگی با دو زبان لاتین و رسمی ایران نوشته می‌شده است. قراردادها همه به زبان فارسی بوده و نمی‌شد کسی بگوید به زبان طالشی یا مثلاً سنگسری یا فالن زبان محلی و منطقه‌ای قرارداد بنویسند. بنابراین زبان فارسی اینگونه عمومیت پیدا کرد و ۹۰ درصد دیگر زبان‌ها متفرقات این زبان است.

■ استاد! طرح این مطلب که گویش‌ها و لهجه‌های محلی ما در سیستم آموزشی گنجانده شود را چطور تحلیل می‌کنید؟

این سوال را با یک مثال پاسخ بدهم: اگر مسا زبان لری را در تلویزیون بشنویم که جزو گویش‌های استانی ماست، متوجه می‌شویم این زبان هم به فارسی نزدیک است. بنابراین اگر قرار

استاد! به عنوان نخستین سوال درباره اهمیت تاریخی زبان پارسی در ایران زمین در مقایسه با سایر گویش‌ها و زبان‌ها صحبت کنید، چه روند تاریخی‌ای را این زبان در طول تاریخ طی کرده است؟

زبان پارسی جانشین زبان پهلوی عصر باستان، یک زبان کاملاً جاافتاده قدیمی است که جایگزین لهجه‌ها، گویش‌ها و زبان‌های مختلف در ایران زمین شده است. این زبان، زبان گفت‌وگو و زبان ادبی چندین دوره تاریخی ایران بوده است. از دوران پارسیان که نظر بیفکنیم، زبان فارسی با یک مقدار شباهت‌هایی از دوران باستان ماندگار بوده است. این را از ادبیات و کتیبه‌های مختلف نگاشته‌شده در ایران زمین می‌توانیم درک کنیم. به طور مثال از یک سنگ‌نبشته قدیمی مارتی‌ها، وزرگ همان بزرگ، وهرام همان بهرام، وزرگان همان بزرگان معنی می‌دهد. در این سنگ‌نبشته خط میخی و چند خط دیگر دیده می‌شود البته آن دوران به استثنای خط میخی، خطوط زیادی اختراع شده بود. مرحوم «کن‌الدین همایون فرخ» دانشمند ایرانی همه این خطوط را ثبت کرد. یکی از این خطوط، مخصوص دبیران، دیگر خطوط برای عموم، مخصوص نامه‌های سیاسی یا خطوط رمز بودند که افراد عادی متوجه آنها نمی‌شدند بنابراین زبان فارسی در طول تاریخ ادامه پیدا کرده و دنباله همان زبان قدیم است.

زبان فارسی به تدریج پخته و جاافتاده شده و کلماتش زیبا و موزون در آمده است. یک کتابی دکتر سبا درباره فرهنگ زبان فارسی تألیف کرده که بسیار حیرت‌انگیز است. اسامی بسیار

زیادی از آسمان، زمین، سبزی‌ها، گیاهان، پدیده‌ها، عناصر طبیعی و ستارگان در آن آمده است. از دل زبان فارسی زبان‌های زیادی خلق شده است. اکنون اگر در ۳۰ شبکه تلویزیونی استانی به زبان‌های محلی دقت کنیم متوجه می‌شویم به طور مثال زبان ترکی، زبانی است که ایرانی‌زده شده است جالب این است که زبان ترکی تا دوره قاجار زبان نظامی‌ها بود و نظامی‌ها به این زبان علامت می‌دادند چرا که عناصر ترک که از یک دوره بسیار قدیم-تصور می‌کنم از دوره ساسانی- با ما همسایه شدند به تدریج با ایران عجین شدند بنابراین ما پادشاهان سلجوقی را نمی‌توانیم ترک بدانییم چرا که اینها دارای وزرای ایرانی، همسران و فرزندان پارسی‌زبان و ایرانی بودند. همه اینها اسامی ایرانی داشتند بنابراین نمی‌توانیم اینها را بیگانه بدانیم چرا که در ایران مستحیل شدند.

در حال حاضر به نژاد انگلیسی‌ها هم دقت کنیم می‌بینیم اینها دارای دو نژاد «نورماندی» و «ساکسون» هستند. نورماندی‌ها از فرانسه به انگلیس مهاجرت کردند و با آنها عجین شدند بنابراین بدین قرار کلمات زبان انگلیسی و فرانسه به هم نزدیک شده است و ما وقتی این دو زبان را مطالعه می‌کنیم بسیاری کلمات را شبیه به هم می‌بینیم. همین‌طور در کشور سوئیس هم ما گروه

شوق و ادویه، فلفل و غذاهای شرقی آشنا شدند. زبان فارسی هم از طریق کشتیرانی‌های ایران بویژه در ایام حج که اسلام آن را بر همه مسلمانان واجب کرده، به طور مثال به جزیره‌العرب منتقل می‌شد و این سفرها رابطه خوبی بین فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌کرد. حتی در کتاب عجایب‌الهند و البر و البحر و الجزایر که ناخدا بزرگ شهیرام رامهرمزی نوشته، آمده که بسیاری از کشتیران‌ها ایرانی هستند و زبانشان فارسی است حتی اینها در مناطق دیگر و دور دنیا هستند به طور مثال در ساحل افریقا حزب شیرازی هست که در انتخابات هم شرکت می‌کنند و اجدادشان ایرانی و شیرازی هستند البته تاکنون، نسل‌های جدیدشان زبان فارسی را فراموش کرده‌اند ولی در گذشته اجدادشان زبان فارسی را بلد بودند بنابراین در گذشته زبان فارسی زبان تجارت و فرهنگ اسلام و ایران بوده است.

■ درباره هند صحبت کردید، توضیحی از برنامه‌های استعمار برای از بین بردن زبان پارسی در شبه‌قاره هند بفرمایید؟

در یک دوره‌ای در هندوستان زبان پارسی گسترش پیدا کرد و به قسمت‌های دیگر جهان منتقل شد، بزرگ‌ترین شاهد این امر هم روزنامه «حبل‌المتین» است که از زمان ناصرالدین شاه قاجار تا رضاشاه پهلوی به مدت ۳۴ سال در کلکته هند منتشر شد. این روزنامه از هنگ‌کنگ تا جزیره مالت، کرت، کربلا، نجف، فققا، مصر، عراق و عثمانی ترویج پیدا کرد به این علت که روزنامه بدون سانسوری بود و به همه جا فرستاده می‌شد. الان تصور نمی‌کنم هیچ روزنامه‌ای در ایران به چنین جزایر دور و شهرهایی فرستاده شود.

بنابراین از سال ۱۸۲۲ در هندوستان روزنامه فارسی منتشر می‌شد، تقریباً در دوران سلطنت فتحعلی شاه. این اطلاعات در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد آمریکایی نگهداری می‌شود. در یکی از این سندها آمده که یکی از دانشمندان ایرانی یک شماره مخصوص ایران‌نامه به مطبوعات ایران در هندوستان اختصاص داد بنابراین زبان فارسی در آن دوره‌ها زبان فرهنگی هندوستان بوده است، حتی «پهرو» می‌گوید در بچگی زبان فارسی می‌خوانده است بنابراین در هند همه مجبور می‌شدند فارسی بیاموزند. دکتر «اسماعیل رضوانی» استاد و دوست صمیمی من فهرستی از روزنامه‌های ایرانی در هند حتی در دوران رضاشاه را منتشر کرد جالب است که خانواده «جلال‌الدین معین‌الاسلام حسینی» هم‌ان خانواده حبل‌المتین! هنوز هم مجلات و روزنامه‌های بزرگ هندوستان را منتشر می‌کنند. حتی در روزنامه تالمیرا و ایندیا هم سرمایه‌گذاری دارند. یک خاتمی چند سال پیش ما را به هند دعوت کرد، این خانم با ما فارسی صحبت می‌کرد. من از

آلمانی زبان، فرانسه و ایتالیایی زبان می‌بینیم. اینها کم‌کم زبانشان به هم نزدیک می‌شود. زبان ترکی هم در ایران هیچگاه بیگانه نبوده و از خارج به ایران وارد نشده بلکه طی مهاجرت در ایران مستحیل شده است.

■ بیشتر سلاطین ایران هم آمیزه‌ای از ترک و فارس هستند، درست است؟

بله! به طور مثال سلسله صفویه را که مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم پدربزرگ صفوی‌ها فردی به نام «کیا» از امرای محلی مازندران بوده. از سوی دیگر مادر «شاه اسماعیل»، «حلیمه خاتون» دختر «دسپینا خاتون» بوده و دسپینا دختر پادشاه ترابوزان، همسر «اوزون حسن» است. سفرنامه کونتارینی را که مطالعه کردم متوجه شدم همین اوزون حسن که به ایران آمده سه پایتخت در اصفهان، قم و تبریز داشته بنابراین زبان فارسی در تمام این دربارها زبان فرهنگی، علمی و معارفی او بوده و به طور قاطع در سفرنامه خود از ایران و ایرانیان صحبت کرده است. کم‌اینکه ادبیات ما ۹۵ درصد زبان فارسی است حتی مغول‌ها در ایران نامه‌هایشان به پاپ را به زبان فارسی می‌نوشتند و او را «بابا» خطاب می‌کردند.

بنابراین زبان نامه مغولی‌ها، مغولی نیست همین‌طور در دربار عثمانی و هند هم فارسی رواج داشته است.

■ سلاطین هندوستان هم علاقه به زبان فارسی داشتند؟

بله! عثمانی و هند همه پادشاهانشان به فارسی سخن می‌گفتند. سلطان محمد فاتح دوم نامه‌های عثمانی را به ایران، فارسی می‌داد. سلاطین هندوستان هم به زبان فارسی صحبت می‌کردند و نسبت به این زبان احساس افتخار داشتند. در ادامه بحث بگویم که از دوره ساسانیان در ایران برای بستن قرارداد همه باید یک زبانی را انتخاب می‌کردند. یک دولتی در کنار دولت ایران به نام دولت روم مطرح بوده که ما ۸۰۰ سال با این دولت همسایه بودیم. نامه‌ها در این همسایگی با دو زبان لاتین و رسمی ایران نوشته می‌شده است. قراردادها همه به زبان فارسی بوده و نمی‌شد کسی بگوید به زبان طالشی یا مثلاً سنگسری یا فالن زبان محلی و منطقه‌ای قرارداد بنویسند. بنابراین زبان فارسی اینگونه عمومیت پیدا کرد و ۹۰ درصد دیگر زبان‌ها متفرقات این زبان است.

■ استاد! طرح این مطلب که گویش‌ها و لهجه‌های محلی ما در سیستم آموزشی گنجانده شود را چطور تحلیل می‌کنید؟

این سوال را با یک مثال پاسخ بدهم: اگر مسا زبان لری را در تلویزیون بشنویم که جزو گویش‌های استانی ماست، متوجه می‌شویم این زبان هم به فارسی نزدیک است. بنابراین اگر قرار

استاد! به عنوان نخستین سوال درباره اهمیت تاریخی زبان پارسی در ایران زمین در مقایسه با سایر گویش‌ها و زبان‌ها صحبت کنید، چه روند تاریخی‌ای را این زبان در طول تاریخ طی کرده است؟

زبان پارسی جانشین زبان پهلوی عصر باستان، یک زبان کاملاً جاافتاده قدیمی است که جایگزین لهجه‌ها، گویش‌ها و زبان‌های مختلف در ایران زمین شده است. این زبان، زبان گفت‌وگو و زبان ادبی چندین دوره تاریخی ایران بوده است. از دوران پارسیان که نظر بیفکنیم، زبان فارسی با یک مقدار شباهت‌هایی از دوران باستان ماندگار بوده است. این را از ادبیات و کتیبه‌های مختلف نگاشته‌شده در ایران زمین می‌توانیم درک کنیم. به طور مثال از یک سنگ‌نبشته قدیمی مارتی‌ها، وزرگ همان بزرگ، وهرام همان بهرام، وزرگان همان بزرگان معنی می‌دهد. در این سنگ‌نبشته خط میخی و چند خط دیگر دیده می‌شود البته آن دوران به استثنای خط میخی، خطوط زیادی اختراع شده بود. مرحوم «کن‌الدین همایون فرخ» دانشمند ایرانی همه این خطوط را ثبت کرد. یکی از این خطوط، مخصوص دبیران، دیگر خطوط برای عموم، مخصوص نامه‌های سیاسی یا خطوط رمز بودند که افراد عادی متوجه آنها نمی‌شدند بنابراین زبان فارسی در طول تاریخ ادامه پیدا کرده و دنباله همان زبان قدیم است.

زبان فارسی به تدریج پخته و جاافتاده شده و کلماتش زیبا و موزون در آمده است. یک کتابی دکتر سبا درباره فرهنگ زبان فارسی تألیف کرده که بسیار حیرت‌انگیز است. اسامی بسیار

زیادی از آسمان، زمین، سبزی‌ها، گیاهان، پدیده‌ها، عناصر طبیعی و ستارگان در آن آمده است. از دل زبان فارسی زبان‌های زیادی خلق شده است. اکنون اگر در ۳۰ شبکه تلویزیونی استانی به زبان‌های محلی دقت کنیم متوجه می‌شویم به طور مثال زبان ترکی، زبانی است که ایرانی‌زده شده است جالب این است که زبان ترکی تا دوره قاجار زبان نظامی‌ها بود و نظامی‌ها به این زبان علامت می‌دادند چرا که عناصر ترک که از یک دوره بسیار قدیم-تصور می‌کنم از دوره ساسانی- با ما همسایه شدند به تدریج با ایران عجین شدند بنابراین ما پادشاهان سلجوقی را نمی‌توانیم ترک بدانییم چرا که اینها دارای وزرای ایرانی، همسران و فرزندان پارسی‌زبان و ایرانی بودند. همه اینها اسامی ایرانی داشتند بنابراین نمی‌توانیم اینها را بیگانه بدانیم چرا که در ایران مستحیل شدند.

در حال حاضر به نژاد انگلیسی‌ها هم دقت کنیم می‌بینیم اینها دارای دو نژاد «نورماندی» و «ساکسون» هستند. نورماندی‌ها از فرانسه به انگلیس مهاجرت کردند و با آنها عجین شدند بنابراین بدین قرار کلمات زبان انگلیسی و فرانسه به هم نزدیک شده است و ما وقتی این دو زبان را مطالعه می‌کنیم بسیاری کلمات را شبیه به هم می‌بینیم. همین‌طور در کشور سوئیس هم ما گروه

شوق و ادویه، فلفل و غذاهای شرقی آشنا شدند. زبان فارسی هم از طریق کشتیرانی‌های ایران بویژه در ایام حج که اسلام آن را بر همه مسلمانان واجب کرده، به طور مثال به جزیره‌العرب منتقل می‌شد و این سفرها رابطه خوبی بین فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌کرد. حتی در کتاب عجایب‌الهند و البر و البحر و الجزایر که ناخدا بزرگ شهیرام رامهرمزی نوشته، آمده که بسیاری از کشتیران‌ها ایرانی هستند و زبانشان فارسی است حتی اینها در مناطق دیگر و دور دنیا هستند به طور مثال در ساحل افریقا حزب شیرازی هست که در انتخابات هم شرکت می‌کنند و اجدادشان ایرانی و شیرازی هستند البته تاکنون، نسل‌های جدیدشان زبان فارسی را فراموش کرده‌اند ولی در گذشته اجدادشان زبان فارسی را بلد بودند بنابراین در گذشته زبان فارسی زبان تجارت و فرهنگ اسلام و ایران بوده است.

■ درباره هند صحبت کردید، توضیحی از برنامه‌های استعمار برای از بین بردن زبان پارسی در شبه‌قاره هند بفرمایید؟

در یک دوره‌ای در هندوستان زبان پارسی گسترش پیدا کرد و به قسمت‌های دیگر جهان منتقل شد، بزرگ‌ترین شاهد این امر هم روزنامه «حبل‌المتین» است که از زمان ناصرالدین شاه قاجار تا رضاشاه پهلوی به مدت ۳۴ سال در کلکته هند منتشر شد. این روزنامه از هنگ‌کنگ تا جزیره مالت، کرت، کربلا، نجف، فققا، مصر، عراق و عثمانی ترویج پیدا کرد به این علت که روزنامه بدون سانسوری بود و به همه جا فرستاده می‌شد. الان تصور نمی‌کنم هیچ روزنامه‌ای در ایران به چنین جزایر دور و شهرهایی فرستاده شود.

بنابراین از سال ۱۸۲۲ در هندوستان روزنامه فارسی منتشر می‌شد، تقریباً در دوران سلطنت فتحعلی شاه. این اطلاعات در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد آمریکایی نگهداری می‌شود. در یکی از این سندها آمده که یکی از دانشمندان ایرانی یک شماره مخصوص ایران‌نامه به مطبوعات ایران در هندوستان اختصاص داد بنابراین زبان فارسی در آن دوره‌ها زبان فرهنگی هندوستان بوده است، حتی «پهرو» می‌گوید در بچگی زبان فارسی می‌خوانده است بنابراین در هند همه مجبور می‌شدند فارسی بیاموزند. دکتر «اسماعیل رضوانی» استاد و دوست صمیمی من فهرستی از روزنامه‌های ایرانی در هند حتی در دوران رضاشاه را منتشر کرد جالب است که خانواده «جلال‌الدین معین‌الاسلام حسینی» هم‌ان خانواده حبل‌المتین! هنوز هم مجلات و روزنامه‌های بزرگ هندوستان را منتشر می‌کنند. حتی در روزنامه تالمیرا و ایندیا هم سرمایه‌گذاری دارند. یک خاتمی چند سال پیش ما را به هند دعوت کرد، این خانم با ما فارسی صحبت می‌کرد. من از

آلمانی زبان، فرانسه و ایتالیایی زبان می‌بینیم. اینها کم‌کم زبانشان به هم نزدیک می‌شود. زبان ترکی هم در ایران هیچگاه بیگانه نبوده و از خارج به ایران وارد نشده بلکه طی مهاجرت در ایران مستحیل شده است.

■ بیشتر سلاطین ایران هم آمیزه‌ای از ترک و فارس هستند، درست است؟

بله! به طور مثال سلسله صفویه را که مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم پدربزرگ صفوی‌ها فردی به نام «کیا» از امرای محلی مازندران بوده. از سوی دیگر مادر «شاه اسماعیل»، «حلیمه خاتون» دختر «دسپینا خاتون» بوده و دسپینا دختر پادشاه ترابوزان، همسر «اوزون حسن» است. سفرنامه کونتارینی را که مطالعه کردم متوجه شدم همین اوزون حسن که به ایران آمده سه پایتخت در اصفهان، قم و تبریز داشته بنابراین زبان فارسی در تمام این دربارها زبان فرهنگی، علمی و معارفی او بوده و به طور قاطع در سفرنامه خود از ایران و ایرانیان صحبت کرده است. کم‌اینکه ادبیات ما ۹۵ درصد زبان فارسی است حتی مغول‌ها در ایران نامه‌هایشان به پاپ را به زبان فارسی می‌نوشتند و او را «بابا» خطاب می‌کردند.

بنابراین زبان نامه مغولی‌ها، مغولی نیست همین‌طور در دربار عثمانی و هند هم فارسی رواج داشته است.

■ سلاطین هندوستان هم علاقه به زبان فارسی داشتند؟

بله! عثمانی و هند همه پادشاهانشان به فارسی سخن می‌گفتند. سلطان محمد فاتح دوم نامه‌های عثمانی را به ایران، فارسی می‌داد. سلاطین هندوستان هم به زبان فارسی صحبت می‌کردند و نسبت به این زبان احساس افتخار داشتند. در ادامه بحث بگویم که از دوره ساسانیان در ایران برای بستن قرارداد همه باید یک زبانی را انتخاب می‌کردند. یک دولتی در کنار دولت ایران به نام دولت روم مطرح بوده که ما ۸۰۰ سال با این دولت همسایه بودیم. نامه‌ها در این همسایگی با دو زبان لاتین و رسمی ایران نوشته می‌شده است. قراردادها همه به زبان فارسی بوده و نمی‌شد کسی بگوید به زبان طالشی یا مثلاً سنگسری یا فالن زبان محلی و منطقه‌ای قرارداد بنویسند. بنابراین زبان فارسی اینگونه عمومیت پیدا کرد و ۹۰ درصد دیگر زبان‌ها متفرقات این زبان است.

■ استاد! طرح این مطلب که گویش‌ها و لهجه‌های محلی ما در سیستم آموزشی گنجانده شود را چطور تحلیل می‌کنید؟

این سوال را با یک مثال پاسخ بدهم: اگر مسا زبان لری را در تلویزیون بشنویم که جزو گویش‌های استانی ماست، متوجه می‌شویم این زبان هم به فارسی نزدیک است. بنابراین اگر قرار

استاد! به عنوان نخستین سوال درباره اهمیت تاریخی زبان پارسی در ایران زمین در مقایسه با سایر گویش‌ها و زبان‌ها صحبت کنید، چه روند تاریخی‌ای را این زبان در طول تاریخ طی کرده است؟

زبان پارسی جانشین زبان پهلوی عصر باستان، یک زبان کاملاً جاافتاده قدیمی است که جایگزین لهجه‌ها، گویش‌ها و زبان‌های مختلف در ایران زمین شده است. این زبان، زبان گفت‌وگو و زبان ادبی چندین دوره تاریخی ایران